# قدما و عدم احتساب شیخ به‌عنوان مخالف اجماع بر تواتر قرائات

این عبارات در چنین کتاب‌هایی آمده است، حال سؤال این است قبل از صاحب حدائق که این عبارات در دستشان بود، چرا از شیخ و طبرسی مخالفت نفهمیده اند؟ چرا اجماعات را محکم می‌گویند اما نمی‌گویند که این دو بزرگوار در تبیان و مجمع مخالف هستند؟ این چرایی است که به دنبالش هستیم تا به جوابی برسیم که قانع‌کننده باشد.

شاگرد: اینها در کتاب‌های تفسیری خود گفته‌اند... .

استاد: ببینید تبیان کتاب تفسیری است ولی در فقه متعدد از آن نقل می‌کنند. الآن از همین تبیان در جواهر گفتم. صاحب جواهر می‌گویند تبیان آخرین کتاب شیخ است، اگر یک چیزی در نهایه گفته و در تبیان عدول کرده تبیان می‌زان است.

شاگرد: اینها به تفاسیر رجوع داشته‌اند اما کسانی مثل محقق و شهید اول بیشتر جنبه فقهی داشته‌اند. در غیر این مسأله جایی هست که اینها به تبیان مراجعه کرده باشند؟ یا اینکه شیخ این مسأله را در کتاب غیر تفسیری خود مطرح کرده؟ شاید هم تحت تأثیر تفسیر کشاف بوده‌اند.

استاد: اینها از «رب مشهور لا اصل له» است. زمخشری کجا در می‌کند؟! بعداً بررسی می‌کنیم. یک چیزی گفته می‌شود و کتاب پشت کتاب می‌آید که زمخشری تواتر را قبول ندارد.

علی ای حال تبیان نزد فقهای قبل از قرن دهم بوده یا نبوده؟ به آن مراجعه می‌کردند یا نمی کردند؟ اولین کتاب فقهی که قدیمی هم هست و نوعاً بعدی ها به آن مراجعه می‌کردند کتاب سرائر است. سرائر قبل از محقق اول است. سرائر را نگاه کنید. یک جا که می‌خواهد به شیخ ایراد بگیرد می‌گوید شیخ ما در نهایه این را گفته اما در تبیان که آخرین تصنیف او است از آن عدول کرده. چون در علم پخته شده بود و... . این اول قدم فقه است چون ابن ادریس متقدم است. آن وقت می‌شود که ابن ادریس در سرائر اسمی از تبیان ببرد و عدول شیخ را بگوید اما بعدی ها –علامه و محقق- اصلاً سراغ تبیان نرفتند؟! البته این فرمایش شما هم به شواهد بیرونی نیاز دارد. یعنی در تذکره و کتب علامه و محقق بگردیم و ببینیم که از تبیان چیزی نقل می‌کنند یا نه. اگر هیچ کجا نقل نکرده‌اند می‌گوییم در اینجا هم از چشم افتاده است. اما سؤالی که مهمتر است این است: در این چند قرن این اجماعات شدید و غلاظی بیاید اما یک نفر نگوید؟! این عرض من است. این مهمتر است.

شاگرد: این هم مهم است که چرا آنها نیاورده اند؟ بالأخره این عبارتی است که فقهای متأخر از آن بوی در دیده‌اند لذا آنها هم می‌توانستند آن را بیاورند. لذا اینکه آنها نیاورده اند موید این می‌شود

که اساساً ندیده اند.

استاد: یک نفر هم ندیده؟! چندین قرن این کتابها مطرح بوده یک نفر ندیده که بگوید در اینجا شیخ مخالف است؟! اینکه بگویم یک نفر نبیند مانعی ندارد، پنج نفر ندیدند مانعی ندارد، اما در طول چندین قرن تا صاحب حدائق... . جالب این است که خود سید نعمت الله جزائری که مخالف است اسم شیخ را نمی برد. کلمات اینها را می آورد اما اسمی از آنها به عنوان مخالف نمی برد، چرا؟ چطور است که صاحب حدائق می گویند صریح است اما او مخالف نمی بیند؟!

---

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 13:08:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 12:26:35 توسط ... .